

بسم ربنا الاقدس الاعظم العلیّ الابهی

حمد مقصودی را لایق و سزااست که بیک کلمه خرق حجبات غلیظه فرمود و اهل عالم را بافق اعلی راه نمود اینکلمه علیا اگرچه واحد است ولکن آثار مختلفه از او ظاهر گاهی اثر سیف از او مشهود چه که تسخیر قلوب مقدّسه و فتح مدائن افتده و نفوس زکیّه در اینظهور اعظم با او بوده و هست و هنگامی ماء حیوان از او جاری و آثار آن از او ظاهر چنانچه مشاهده شد چه بسیار از تشنگان بادیه‌های هجر و فراق را کوثر وصال بخشید و چه بسیار از مردگان را از نفع‌اش بزندگی دائمی فائز نمود سبحان الله نفوس غافله که در هیماء هاویه ساکنند ظلمت را بجای نور اخذ نموده‌اند و جغد را مقام عندلیب السن ذرّات شهادت میدهد بر غفلت و نادانی و ضلالت و بیخبری آن قوم آگاه نیستند و گواهی میدهند در بحبوحهٔ عدم دعوی وجود مینمایند آنچه بگویند نزد صاحبان بیان از نعیق پست‌تر است و از نعیب کمتر ساجد خفا شدند و بگمان خود بحق مقبل آنّه بریئ منهنم و من الذین اتبعوهم من دون بیّنه و امر من لدی الله العلیم الخبیر پست‌فطرتی و بی‌شعوری بمقامی رسیده که داهیهٔ دهما را مخلص و تابع و خاضع و ساجد و راکعند شصت سنه از عمرش رفته تازه دلبری آغاز نموده و همج رعاع ارض را بهاویئهٔ خود دعوت مینماید سبحان الله عجب طالبها و عجایب مطلوب در عالم ظاهر شده آیا انصاف از ما بین ناس فرار نموده و یا آفتاب بینائی غروب کرده چه شده که صاحبان ابصار ظاهره از مشاهده محرومند و دارای آذان از شنیدن ممنوع از قبل شنیده بودیم بعضی ساجد بقرند و برخی عابد عجل ولکن اینکلمه را تصدیق درست نمینمودیم و بعوالم ظنون و اوهام راجع میکردیم حال در ظاهر ظاهر مشاهده شد که ربّ العالمین را گذارده‌اند و بخراطین تمسک جستند فرات رحمت الهی را گذاشته‌اند و بصدید جحیم مقبل و متوجّه این خادم متحیّر که چه بگویند و چه تحریر نماید آنمخدّره و سایر اوراق و کنیزان الهی و عباد منصفین شاهد و گواهند که احدی از آن لجوج عنود اطلاع نداشت اینعبد بامر حق جلّ جلاله سالها با او بوده مع علم کلّ باینفقره از اینعبد حرفی استفسار نمودند سیلی از ظنون و نفوسی از اوهام آن ممدود و این سالک ضعف الطالب و المطلوب و السّالک و المسلوک حال از رجال گذشتیم داهیهٔ دهما چه میگویند در اوّل ظهور حضرت اعلی روح من فی ملکوت الامر و الخلق فداه او و دو برادرش در کمال عداوت و بغضا بودند اکثری از اهل بلد بر اینفقره مطلقند در منازل و محافل و مجالس گفته‌اند آنچه را که قلم از ذکرش شرم مینماید در این ظهور نظر بنسبت چند یومی اظهار اقبال نمودند و بعد بدسیسه‌های خناسیه و اعمال فاسده مشغول گشتند حال بعد از شصت سال عشاق جدیده یافت شده تبّاً للعشاق و تبّاً للمعشوق اگر فی الجملة در اطوار و رفتار او تفکر نمائید حقیقت دنیا را مشاهده مینمائید که در لباسهای ملوّنه ظاهر شده سبحان الله هر صاحب بصری متحیّر و هر ذی فکری متفکر انسان که از مذهب عاری شد میگوید آنچه را که میخواهد و عمل مینماید آنچه را که نفسش بآن مایل است کنیزان الهی را جمع نمائید از قول اینفانی تکبیر برسائید و بگوئید امروز روز بصر است چه که حق ظاهر و آثارش باهر و امروز روز آذانتست چه که ندایش مرتفع بشنوید و باو تمسک نمائید تمسکیکه نار است از برای قلب معرضه کبری و معرضین و معرضات و نور است از برای دوستان حق جلّ جلاله نار نفس و هوی بشائی در او مشتعل که جز حق از احصای آن عاجز و قاصر است و جمیع قصور بنفوس مقبله راجع چه که عبودیت آن نفوس سبب طغیان داهیه شده تا حال اینعبد فانی نظر ببعض امور اطوار او را ستر مینمود ولکن در این سنه که هزار و دویست و نود و نه است ظاهر شد از او امریکه از شیاطین قبل و بعد

ظاهر نشده يشهد بذلك من عنده امّ الكتاب بيست سنه حق جلّ جلاله فواحش او را ستر نمود و همچنين اينعبد فانی ولكن در اين كره واجب شد كه بعضی از اطوارش ذكر شود تا عباد الله و امائه اطلاع يابند و او را بشناسند باری هر ذی بصری ادراك نموده و مينمايد و از اطوار اشرار و اخيار ممتاز ميشوند شريره كبرى كه جميع امورش واضح و معلوم است طوبى للمتفرسين و نعيماً للتأظرين الحمد لله ربّ العالمين بعد از وصول نامه آنمخدره و اطلاع بما فيه توجه بافق اعلى و ذروه اعليا نموده در ساحت امنع اقدس اعزّ ابهى عرض شد هذا ما نطق به لسان العظمة فيملكوت البيان قوله عزّ و جلّ

بسمي الظاهر الخبير

يا امتی امروز ندای الهی از جميع جهات مرتفعست و ذرات كائنات بنای منزل آیات مشغول ولكن كلّ غافل و محبوب خلق عالم در ليالی و ایام منتظر ظهور حق جلّ جلاله بودند و بيادش مسرور و بخيالش مشغول و چون مشرق ظهور و مكلم طور از افق سماء معانی ظاهر و مشهود بعضی بر اعراض و برخی بر انكار و حزبی بر اعتراض و گروهی فتوی بر قتلش دادند لم يزل و لا يزال احزاب ارض باين اعمال شنيعه مردوده مشغول بوده و هستند مگر نفوسيكه پا بر عالم گذاشتند و قصد مالك قدم نمودند اين نفوس را دمدمه مدافع ظالمين و صليل سيوف منكرين و طنطنه صفوف و سطوت الوف و اعراض علما و ضوضاء عرفا منع نموده و نمينمايد ايشان بحق ناظرند و بذيلش متشبث اين نفوس از بحر اعظم مياشامند و از دوش فارغ و آزاد انشاء الله نعيق اكبر اماء آن ارض را از رحيق اطهر منع نمايد بگو ای كنيان الهی شما بحق منسوید و باسمش مذکور جهد نمائيد تا جبل محكم اين نسبت قطع نشود و در هر حين محكمتر مشاهده گردد امروز روز ذكر و بيانست و روز ظهور مراتب و ايقان چه كه مقصود عالميان بر عرش مستوی مبارك نفسيكه از انوار صبح ظهور منور شد و بعرفان حق جلّ جلاله فائز گشت قسم بنقطه توحيد كه از افق سماء كتاب الهی لائح و مشرقست اگر خلق عالم در يك ساعت بانصاف آيند و تفكر نمايند بانوار ظهور حق منور گردند از برای بعضی آمال سبحات جلال گشته و از برای برخی عمّامه و عصا از حق بطليبد حجاب اكبر را باصبع قدرت خرق فرمايد تا كلّ بافق اعلى توجه نمايند و باشراقات انوار آفتاب ظهور فائز گردند بگو ای كنيان حق از كأس عليا بنوشيد و از قدح اعلى بياشاميد صد هزار بحر طائف اين قدح و هزاران هزار دريا خاضع اين كأس بذكر دوست مشغول شويد و از فرات محبتش بياشاميد حزيكه اليوم خود را از اهل حق ميشمرند از جميع خلق پستترند بگو ای بی‌بصران اوراق غافلين را بخوانيد و در او تفكر نمايد كه شايد از طنين و سجين فارغ و آزاد شويد و قصد علين نمايد حمد كن محبوب عالم را كه از قبل و بعد ترا ذكر نموده انشاء الله سبب اتحاد شوی و آنچه سزاوار يوم الهی است توجه نمائی انتهي

لله الحمد آفتاب عنايت حق مشرق و سماء فضلش مرفوع ديگر احتياج باذكار نالايقه اينعبد نموده و نيست بيانات ملاء عالين نزد عرف بيانش معدوم تا چه رسد برطب و يابس اين بنده و امثال اين بنده از حق سائل و آلمم كه اماء آن ارض را تأييد فرمايد بر استقامت كبرى انشاء الله آنمخدره در جميع احوال بذكر غنيّ متعال مشغول باشند اگر گاهی در ارسال جواب خادم تأخير رود اين از تقصير نموده و نيست حق شاهد و گوا هست كه از كثرت تحرير جواب بعضی از دوستان الهی يكسنه گذشته و هنوز موفق بر جواب نشده ام از او اعانت ميطلبم كه قوه عنايت فرمايد و قوت بخشد و اعانت غيبه دست گيرد كه شايد از عهده اين خدمت مهمّ خطير برآيم آنمخدره در جميع احيان بذكر حق مأنوس باشند و بفرح اعظم مسرور چه كه بذكر حق فائزند و در محضرش مذکور ان اعرفي هذا الفضل العظيم و قولی لك الحمد يا اله العالمين

عرايض اماء الله در ساحت امنع اقدس بتفصيل عرض شد فرمودند ای كنيان الهی دوستان حضرت محبوب از ذكور و اناث از اوراق و اثمار شجره مباركه محسوبند و جميع در منظر اكبر در يك صف قائم و محترم امتياز از مراتب استقامت و محبت و شوق و شغف ظاهر ميشود انّ اكرمكم عند الله اتقيكم بالاعمال يظهر مقامات النساء و الرجال والا كلّ در صقع

واحد مشاهده میشوند مگر نفوسیکه از اثر قلم اعلیٰ تخصیص یافته‌اند جمیع را امر باخلاق روحانیّه و کلمه طیبّه و اعمال مرضیه نمودیم ای دوستان شأن شما عنایت و شفقت و مرحمت است بر کنیزان حق تعدی نمائید بکمال رفق و مدارا سلوک کنید آیا نشنیده‌اید ما انزلناه بلسان القوم جمیع بار یکدارید و برگ یکشاخسار و عرف این بیان از کتاب اقدس هم استشمام میشود قسم بآفتاب ظهور از جمیع بیان اینمقام ظاهر حق جلّ جلاله از ملکوت فضل در سجن اعظم کلّ را بمحبت و مودت و وداد و اتحاد امر نموده ای دوستان از شما انوار عدل باید مشاهده شود بشأنیکه بر ظلمت ظلم فائق آید اگر از قلم اعلیٰ بشنوید آنچه را که بآن امر فرموده البتّه در ملک ظاهر شود آنچه که سبب و علت نجات و فراغت کلّ است یا خدیجه بشنو ندای مشرق نور احدیه را دوستان از رجال را وصیت نمودیم بآنچه که سزاوار است و همچنین اماء الله را وصیت مینمائیم بسکون و وقار و محبت و مودت خلق ذکور و اناث از برای امتزاج و ایلافست نه از برای مخالفت و مایبنت کلّ را در این حین که اول ظهر است وصیت مینمائیم باعمالیکه از شنیدن آن بهجت و سرور حاصل شود العاقبة لمن تمسک بالتقوی معرضاً عن الهوی و الحمد لله ربّ الآخرة و الاولى انتهى

انشاء الله انوار آفتاب نصح قلم اعلیٰ قلوب من علی الارض را منور سازد و باسایش حقیقی رساند یا اینها الورقة انسان هنگامیکه در بدایع عنایات و ظهورات الطاف الهی تفکر مینماید تحیر او را اخذ میکند بشأنیکه قادر بر تکلم نیست حال ملاحظه کنید و در بیانات منزل آیات نظر نمائید هر کلمه‌ئی بشفقته نازل که عرف آنرا هر صاحب انصافی مییابد جمیع اشیا امروز متحرک و منجذبند سبحان الله چه شده که بعضی محمود دیده میشوند امید هست که از ظهورات فضل بیمنتهاش افتده و قلوب باقلیم محبت و وداد توجه نمایند حق شاهد و گواهدست که اینفانی در لیالی و ایام مسئلت مینماید که کلّ را بنور اتفاق منور سازد و باخلاق روحانیّه موفق دارد اوست شنوا و اوست مجیب و اوست توانا و اوست دانا انشاء الله آنمخدره قانتات آن ارض را بعنایات حق جلّ جلاله بشارت دهد تا کلّ در این یوم الهی بآنچه سزاوار است قیام نمایند و اینعبد هم رجال یعنی دوستان حق را بکمال عجز و ابتهاج ذکر مینماید و از حق مسئلت میکند که ایشانرا باظهار مودت و محبت و شفقت مؤید فرماید ان ربنا الرحمن لهو المقتدر علی ما اراد لا اله الا هو التّاصح المشفق العلیم البهّاء الظّاهر الباهر السّاطع اللّاح المشرق من افق عنایة ربنا علیک و علی القانتات اللّائی شربن کوثر الاستقامة من ایادی عطاء ربهنّ فی هذا الیوم العزیز البدیع

خادم

فی ۸ شهر ذی القعدة الحرام سنه ۱۲۹۹

مکتوب دیگر آنورقه که از قبل دو ورقه از اوراق نرجس خاتون و سکینه خاتون علیهما بهاء الله نوشته بودند رسید الحمد لله عرف محبت محبوب عالمیان از آن استشمام شد انشاء الله آنمخدره لا زال بذکر حق و خدمت حق مشغول باشند آنچه ذکر نمودید تمام در ساحت امنع اقدس اعزّ اعلیٰ عرض شد مخصوص هر یک از اوراق مذکوره آیات الهی نازل انشاء الله بآن فائز شوند و از بحر عنایت بیاشامند

هذا ما نزل للورقة نرجس علیها بهاء الله قوله جلّت عظمته

هو السّامع المجیب

یا امتی یا اینها الناظرة الی افقی ان افرحی بما ذکرک لدى المظلوم و نُزلت لک آیات الله المهیمن القیوم در عنایت و الطاف حق تفکر نما چه مقدار از علما و فضلا و فقها که در لیالی و ایام بذکر حق مشغول بودند و در مساجد باسمش ناطق و در

جميع احيان سائل و آمل كه بلقاي مطلع امر فائز شوند و چون فجر ظهور طالع و انوار وجه مشرق كل بر اعراض قيام نمودند الا من شاء الله قدر مقام خود را بدان و بگو

لك الحمد يا الهى بما عرفتنى ما احتجب عنه علماء ارضك و فقهاء ديارك و ايدتنى على شأن تحرّك على ذكرى قلمك الاعلى فى مقامك و سجنك اسئلك بانوار وجهك و نار سدرتك بان تكتب لامتك هذه ما ينبغى لعزّك و كرمك و الطافك انك انت المقتدر المهيمن على ما كان و ما يكون

طوبى لك يا نرجس بما اقبلت الى المظلوم و اردت ما كان مسطوراً فى كتب الله رب العالمين ان اشكرى ربك الرحمن انه زين اباك بطراز الغفران فضلاً من عنده و هو الفضال الكريم و ما اردت فى اللقاء انه يكتب لك اجره و يوصيك بالتقوى الخالص و ما ينبغى لايم الله العليم الخبير كذلك ذكرك لسان العظمة بما لا يعادله شئ فى الارض ان احمدى بذلك انه لهو السامع المجيب

و هذا ما نزل لاختها سكينه عليها بهاء الله قوله جلّ و عزّ

بسمى الظاهر المقتدر على الاسماء

يا سكينه جمال قدم از شطر سجن اعظم ترا ذكر مينمايد و بآنچه كه سبب و علت علوّ و سمو است وصيت ميفرمايد امروز روز عمل خالص است و روز استقامت كبرى انشاء الله بشأنى بر امر مستقيم باشى كه ضوضاى مشركين و مشركات ترا از منزل آيات محروم نسازد شياطين بهر اسم و هيئت و هيكلى ظاهر و بر مرصّد منتظر انشاء الله لا زال در ظلّ حق محفوظ باشى و بانوار فضلش منير البهاء عليك و على امك انا نبشرها بعنابتى و فضلى الذى سبق من فى السموات و الارضين انتهى

الحمد لله دو ورقه كه ذكرشان نموديد بشرافت كبرى فائز و باين آيات محكمات ذكرشان از سماء مشيت در كتاب الهى مذكور طوبى لهما چه كه فائز شدند بآنچه كه از براى آن مثل و شبه نبوده و نيست آنچه از بحر جود طلب نمودند فائز شدند چه كه كلمه غفران از لسان رحمن در باره آب جارى و نازل ان ربنا الرحمن لهو العطوف الغفور الكريم

و اينكه آنمخدره ذكر جناب محبوب فؤاد حاجى ميرزا حيدر على عليه بهاء الله و عنايته نموده بودند و همچنين ذكر وصلت را اينفقره تلقاء وجه محبوب عالميان عرض شد و بطراز اذن فائز فرمودند انشاء الله مباركست اليوم هر نفسى بجناب ميرزا عليه بهائى بهر قسم اظهار خلوص و محبت و مودت نمايد نزد حق جلّ جلاله مذكور و در كتاب مسطور انتهى

اينكلمه مباركه فى الحقيقه عرف عنايات لا نهايه از او استشمام ميشود طوبى لمن وجد و فاز و بشارت ديگر آنكه ذكر ابناء و اختين و بنت آنمخدره عليهم بهاء الله كه در نامه مذكور تلقاء وجه مالك ظهور عرض شد و مخصوص هر يك از سماء فضل آيات باهرات و كلمات طيبات نازل انشاء الله بزيارت و قرائت آن فائز شوند و بما ينبغى عامل

هذا ما نزل لجناب نصرالله قوله جلّ اجلاله

بسمى العزيز العليم

اي نصرالله بحبل تقوى تمسك نما و بذيل تقديس تشبث عالم را غبار تيره هوى از فيوضات مالك وري منع نموده از حق بخواه تا ترا باستقامت كبرى مؤيد فرمايد و هر نفسى باو فائز شد از اهل بها در كتاب اسما مذكور و مسطور و محسوب جهد نما تا بان فائز شوى و از عالم و عالميان فارغ و آزاد گردى قد ذكرناك بهذا الذكر لشكر ربك الذاكر الحكيم

و هذا ما نزل لجناب ميرزا آقا قوله جلّت عظمته

بسمی المشرق من افق العالم

یا عبد ان استمع نداء من خُلق العالم لعرفانه و نزلت الكتب لاطهار امره و الرّسل لتبليغ احكامه و ايامه أنّه ينطق فيكلّشأن أنّه لا اله الاّ انا المظلوم الغريب قد اخترت الذلّة لعزّ العالم و البلاء لعلوّ اهل البهَاء و الغربة لبلوغ العباد الى الوطن الاعلى المقام الّذى جعله الله مقدّساً عن كلّ ذكر بديع أنّك اذا سمعت ندائى و فزت بآياتى قل
لك الحمد يا من ذكرتنى بلسانك اشهد أنّك جئت لنجاة الامم لا اله الاّ انت المقتدر القدير
كذلك ذكرناك و انزلنا لك ما تضرّع به عرف عنائى و رحمتى الّتى سبقت من فى السّموات و الارضين
و هذا ما نزل لمن سمى بحبيب الله قوله تبارك و تعالى

بسمی العزيز الكريم

یا حبيب زين لسانك بذكرى و قلبك بطراز حبّى و رأسك باكليل الاستقامة على هذا الثبأ العظيم دع ما عند القوم و تمسّك
بجلبى المتين أنّه ينجيك و يحفظك و يسقيك رحيق حبّه بيد عطائه أنّه لهو المعطى الكريم اذا فزت بآياتى ان اشكر الله الّذى
أيّدك على عرفانه اذ كان النّاس فى ريب ميين كذلك ماج البحر اذ سرت نسّمات الوحي فيهذا الحين
و هذا ما نزل للورقة الّتى سميت بملكه قوله جلّ كبريائه

بسمی المشفق العطوف

یا ملكه طوبى از برای تو چه كه فائز شدى بآنچه كه اكثر رجال از او محرومند انشاء الله در حبّ و اقبال ثابت و راسخ باشى
چه كه ارباب امتحان و افتتان در مرور است مقام اعظم لا مثل له رايجان بدست نيفتد الاّ بفضل و جوده مخصوص اين ايام كه
دخان تيره در مكاني ظاهر و ابصار بعضى را از مشاهده انوار وجه محروم داشته و ميدارد در جميع احوال بحق ناظر باش و
بذيلش متشبّث أنّه مع كلّ عبد استقام و كلّ امة استقامت البهَاء عليك و على امك و اخوانك من لدن ربك الفضال القديم
و هذا ما نزل للاخت قوله جلّ جلاله و عمّ نواله

بسمی الغفور الرحيم

ای امة الله مالك اسما از سجن عكّا بتو توجه نموده و ترا بافق اعلى دعوت مينمايد طوبى از برای امائيكه بانوار عرفان منور
شدند و از رحيق مختوم الهى آشاميدند ايشان فى الحقيقه رجالد بل فوارس ميدان چه مقدار از عباد كه بظنون و اوهام از انوار
يقين محروم مشاهده ميشوند و چه مقدار از اماء كه باسم مالك اسما جميع حجبات را خرق نمودند و بحق وحده ناظر و
متوجهند نعيماً لعبد فاز و لامة فازت
و هذا ما نزل لاخت اخرى قوله جلّ و عزّ

بسمی الناصح العليم

یا امة الله بحق ناظر باش و بحبل عنائتش متمسّك بهتيرين جامعه عالم جامعه خُلق است نعيم از برای نفوسيكه باين طراز امنع
اقدس مزين شدند و بما انزله الله فى الكتاب عاملند امروز روزيست عزيز قدرش را بدانيد و بآنچه سبب و علّت ذكر باقيست

توجّه نمائید آنّه ینصح عبادّه و امانّه طوبی لکلّ سامع مجیب و لکلّ عامل مستقیم انتهی

فی الحقیقه فضل بیمنتهی ظاهر چه که چند شهر قبل جواب نامه آنمخدرّه نوشته شده نظر بانقلابات اطراف در ارسال آن بملاحظه حکمت تأخیر رفت در این حین که آخر نهار یوم دوشنبه سیزدهم شهر صفر است جناب حاجی میرزا ابوالحسن علیه بهاء الله عریضه بساحت اقدس ارسال نمود و نامه آنمخدرّه را ارسال داشت و بعد از مشاهده و اطلاع در ساحت اقدس اعلیٰ عرض شد و گمان نمیرفت که این حین بحر عنایت بر حسب ظاهر باین فضل اعظم مشاهده شود چه که وقت ارسال مراسلات بود و از یکطرف تحریر آیات باری بعد از اطلاع و عرض فی الحین مشاهده شد شمس بیان از افق فضل مقصود عالمیان تجلّی فرمود بشأنیکه از برای اینعبد مجال تحریر بتمامه نماند تشهد الذّرات بفضله و عنایت و رحمته بمجرّد عرض مخصوص هر یک از اسامی مذکوره آیات باهرات از سماء مشیّت ظاهر و نازل چنانچه مشاهده شده و میشود آنمخدرّه کلّ را بعنایت حق بشارت دهند و آنچه الیوم اهمّ از کلّ امور است اتّحاد دوستان الهی است نیکوست حال نفسیکه سبب اتّحاد شود و مقام سابقین و قائمین را بشناسد آنّه بهدی من یشاء الی صراطه المستقیم فی الحقیقه فضل حق در باره آنمخدرّه بشأنی ظاهر که اگر بدوام ملک و ملکوت شکر نمائید هرآینه از ادای شکر حرفی از آنچه نازل شده برنمائید اینعبد و آنمخدرّه و من علی الارض کلّ عاجز و قاصریم و از او مدد میطلبیم که شاید در یومش خدمتی از ما برآید و یا نفس فارغی در حبّش ظاهر شود اینعبد هم نفوس مذکوره و همچنین اماء الله آن ارض را تکبیر و سلام میرساند و از برای کلّ توفیق طلب مینماید آنّه هو الفیاض الکریم لا اله الا هو العلیّ العظیم

و اینکه در باره حقوق الله نوشته بودید و همچنین سفر زیارت حسب الامر حقوق را دو ثلث صرف امر خیر یعنی عیش جدید نمایند و یک ثلث بساحت اقدس ارسال دارند و اگر بتوانند از مصروف توجّه بساحت اقدس عدد اسم اعظم یعنی نه تومان نزد جناب سمندر علیه بهاء الله ارسال نمایند که او بجناب جواد ذاکر برساند و این امور در صورتی محبوب و مقبول است که اسباب آن فراهم آید و بروح و ریحان بگذرد السّلام و الثّناء علی الورقات المقبلات و القانتات المستقیمات المغنیات علی دوحه العرفان آنّه لا اله الا هو المقتدر العزیز المنان

خادم

فی ۱۳ شهر صفر سنه ۱۳۰۰

[یادداشت]

۱ ارقام ۲ و ۵ و ۱ بر طبق حساب ابجد بترتیب معادل عددی حروف ”ب“ و ”ه“ و ”الف“ است که مجموع آنها کلمه ”بها“ را تشکیل میدهد. ←

این سند از [کتابخانه مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۲۵ ژانویه ۲۰۲۳، ساعت ۱۰:۰۰ بعد از ظهر